

بسیار قبل از آنکه پوزیتیویسم به عنوان رهیافتی غالب در حوزه معرفت علمی بروز و بر کمیت بیش از پیش تأکید کند، در گذشته و در همه ادوار زندگی بشر به مسأله کمیت توجه می شده است. کمیت همواره باری از کیفیت به همراه داشته است. وقتی شما مثلاً برای امور زندگی خود می گوئید فلان مقدار و یا تعداد برای موضوعی خاص بس است، همین بس بودن امری کیفی است و مناسبت را می رساند. مثلاً برای تغذیه به فلان مقدار غذا و یا میوه، و برای لباس در هر سال به مقدار مشخصی از لباس بسنده می کنید و این تعداد حد کفایت مقدار و یا تعداد را در بر دارد. وقتی جمعیت زیاد می شود، شما برای تأمین حداقل ها ناگزیرید به مسأله کم توجه بیشتری کنید اما در همین حال از کیفیت آن هم غافل نیستید. آنچه مهم است مسأله کم و کیف، که برآیند آن را می توان به اندازه و مقدار تعبیر کرد، امری بدیهی است. مدیران برای اداره امور ناگزیر باید به مسأله کم و کیف توجه کنند و همواره این دو را به صورت طیفی در نظر بگیرند که یک سر آن کم و سر دیگر آن کیف است و بنا به موقعیت مدیریتی ممکن است یکی از دو طرف قوی تر و بیشتر مورد توجه باشد.

ارزیابی و سنجش یکی از ابزارهای مدیریتی مورد نیاز زندگی در همه احوال بوده و هست. ارزیابی در مدیریت فردی و خصوصی و به ویژه مدیریت اجتماعی امری جدی و اساسی است و طبعاً امر ارزیابی ممکن نخواهد شد مگر از طریق به کارگیری ابزار اندازه گیری.

مدیریت علمی، یعنی ارزیابی حضور علمی فرد و جامعه از طریق تولید و توزیع در صحنه ملی و جهانی، نیز از این امر مستثنی نیست؛ به ویژه آنجا که رقابت علمی مطرح می شود از حساسیت ویژه ای برخوردار است و به ناگزیر مدیران برای اندازه گیری حضور علمی افراد، سازمان ها، و در جمع، ملت ها از طریق تولید و یا توزیع باید بر شاخص ها و ابزارهایی رو آوردند تا بتوانند به مدیریت درست بپردازند و در صحنه رقابت از دیگران عقب نمانند.

کتاب‌سنجی، اطلاع‌سنجی، علم‌سنجی، کتابخانه‌سنجی، وب‌سنجی و مانند آن همه از مقوله‌های سنجش‌اند و ابزارهایی هستند برای تعیین کمیت تولیدات علمی در صحنه‌های رقابت ملی و جهانی که با آن مدیران وضعیت گذشته و حال را بررسی و برای آینده تصمیم‌گیری می‌نمایند.

همچنانکه گفته شد، سنجش علم همانند هر سنجش و اندازه‌گیری دیگری مستقل نیست و ابزاری برای مدیریت به‌شمار می‌آید. از این رو، جست و جو در زیربنای فلسفی و مبانی معرفتی ابزار کاری پرچالش است. اما مدیریت و آشکال آن که خود متکی بر فلسفه‌ی اداره‌ی زندگی مدنی و اجتماعی است و ارزیابی و کنترل یکی از خصیصه‌های آن است، به‌ناگزیر باید ابزارهایی داشته باشد که طبعاً نوع نگاه به مسأله و یا حل آنها، ابزارهای مناسبی را طلب می‌کند که باید مدیران به آن توجه نمایند. فی‌المثل وقتی شما طول را اندازه‌گیری می‌کنید و یا وزن را محک می‌زنید، ابزاری متناسب با مقصود خود انتخاب می‌کنید و همینطور وقتی بحث شما تعیین میزان تولید کتاب و یا گسترش اطلاع و دانش و یا حضور در محیط وب است، هر یک ابزاری متناسب خود را طالب‌اند.

نکته دیگر این است که در بسیاری از اوقات از علم‌سنجی و وب‌سنجی به‌عنوان روش یاد و گاهی اوقات از آن به رویکرد علم‌سنجی و یا ابزار علم‌سنجی تعبیر می‌شود. پرسش اصلی این است که آیا روشی به نام علم‌سنجی و یا وب‌سنجی وجود دارد؟

اگر درست بیندیشیم خواهیم دید که روش‌های پژوهشی - اگر به آن اصلاً قائل باشیم - در محیط سنتی و غیر وب دارای انواعی چون تاریخی، تجربی، پیمایشی، تحلیل محتوا، کم و یا کیف محور و مانند آن بوده است. اکنون که محیط پژوهش از سنتی به الکترونیکی در حال تغییر است و یا تغییر کرده است آیا جز این است که همه روش‌های قبلی می‌توانند در محیط وب هم به معرض تجربه و آزمایش درآیند. به این معنا که اگر روش تاریخی، تحلیل محتوا، مبتنی بر شواهد، تجربی، تطبیقی و مانند آن بوده است، اینک در محیط وب همان روش‌ها می‌توانند مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین آیا بهتر نیست که به‌جای روش علم‌سنجی و یا وب‌سنجی که بدون توجه به ماهیت آن، به‌ویژه در زبان فارسی، بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد بگوئیم مطالعه در محیط الکترونیکی است و با توجه به نوع پژوهش مدنظر باید ابزار مناسبی جهت مطالعه تاریخی، پیمایشی، استنادی، تطبیقی، و مانند آن در محیط الکترونیکی فراهم آورد؟

بنابراین اطلاق روش پژوهش به علم‌سنجی خالی از چالش نیست زیرا می‌دانیم که علم‌سنجی و وب‌سنجی ابزارهای اندازه‌گیری‌ای - چون متر یا کیلو- برای روش‌های تحقیقی گوناگون هستند و تکمیل و تکامل ابزار، باز هم آن را از حالت ابزار بیرون نخواهد برد. کافی است افرادی را با کاربرد این ابزارها آشنا کنیم و آنها را با تمرین هر چه بیشتر برای استفاده درست از ابزار و نشان دادن قوت و ضعف استفاده از آن به کار گماریم تا به خوبی مقصود ما را عملی کنند. آنها می‌توانند با نشان دادن نقاط قوت و ضعف ابزار، محققان را در زمینه ساخت و تکمیل ابزار بسیج کنند. بنابراین ملاحظه می‌شود که پژوهش‌هایی که با روش علم‌سنجی، اگر چه مفید است، اما از آنجا که از نرم‌افزارهای ساخته شده به‌وفور استفاده می‌شود، کم‌تر می‌توانند پژوهش‌های اصیل تلقی شوند.

نکته دیگر، استناد وبی و علم‌سنجی و همراه کردن این دو با یکدیگر است. به‌نظر می‌رسد استناد مقوله‌ای است که هم در محیط سنتی و هم در محیط وب مورد استفاده فراوان دارد و آن را معادل و یا هم‌ردیف با هم قرار دادن نوعی تسامح است. ضمن اینکه لینک‌ها را در محیط وب معادل و مرادف استناد در محیط چاپی قرار دادن نیز خالی از مسامحه نیست زیرا فی‌المثل در یک مقاله الکترونیکی اگر شما لینک داشته باشید باید تحلیل کنید که آیا اینجا لینک صرفاً به‌خاطر استناد است و یا برای ارائه خدمت بیشتر است و یا حتی تبلیغ و مانند آن. لذا نمی‌توان گفت که لینک در محیط وب فقط معادل استناد در محیط چاپی است؛ چه بسا موارد دیگری از آن منظور باشد. ضمن اینکه در استنادهای چاپی اغلب به صفحه منبع هم برای استناد اشاره می‌شود تا مراجعه‌کننده و یا متقاضی بتواند ریشه استناد را سریعاً بیابد. اما در محیط وب چنانچه پس از ورود به لینک (پیوند)، مطلب استناد شده برجسته نشده باشد، ممکن است نتوانید خط سیر استناد را پیگیری کنید. به‌علاوه استناد هم امری کمی و کیفی است که چنانچه در محیط وب به کیف توجه نشود مقصود حاصل نخواهد شد.

نکته دیگری که در استناد و نیز ضریب تأثیر استناد مطرح است، اقبال جامعه به این موضوع و تبلیغات به‌صورت عام و یا علمی در این زمینه و چهره ساختن از افراد خاص است که می‌تواند آن را تحت تأثیر قرار دهد. البته مورد توجه و استناد قرار گرفتن امری مطلوب است و آنهایی که مقالاتشان بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد قابل تقدیراند اما نباید نسبت به آن مطلق‌نگری شود.

چه بسا فردی با ضریب تأثیر فراوان جمع‌آوری‌کننده مطالعات دیگران باشد و حرفی جدی برای عرضه نداشته باشد اما در مقابل، فردی شاخص و صاحب‌نظر و مبتکر در یک حوزه موضوعی، ضریب تأثیر اندکی داشته باشد. توجه به این موضوع در استناد موجب می‌شود تا نسبت به آن افراط نشود و خطا صورت نگیرد. بحث در این مورد مجال دیگری را می‌طلبد.

رؤیت‌پذیری و یا نمایانی مقوله دیگری در علم‌سنجی و وب‌سنجی است؛ مسئله‌ای که این روزها در سطح ملی و جهانی سخت مورد توجه قرار گرفته است. مؤسسات و دانشگاه‌ها برای رقابت علمی و یا جذب امکانات سعی در انجام اقداماتی برای افزایش رؤیت‌پذیری می‌کنند. این امر از آنجا ناشی می‌شود که در صحنه رقابت‌های علمی، گاه تولید مسأله اصلی است و لذا محققان باید به سمت آن روی آورند ولی بسیار اتفاق می‌افتد که با آنکه تولید انجام می‌شود چون توزیع به‌خوبی صورت نمی‌گیرد و یا آدرس‌های درستی برای کاربران جهت دسترسی ایجاد نمی‌شود، یا آدرس‌دهی خوب صورت نگرفته و شناسه‌ها با نام‌های مختلف و اشکال گوناگون عرضه می‌شود، تولیدات انجام شده مغفول می‌ماند و کسی از آن یاد نمی‌کند. لذا برای بازیابی از کلیدواژه‌های مختلف بدون آنکه ارجاعات لازم صورت گرفته باشد باید استفاده شود. در این موقع است که بسیاری از مؤسسات علمی و دانشگاه‌ها رؤیت‌پذیری خود را در سطح ملی و جهانی از دست می‌دهند و از این بابت متضرر می‌شوند. از این رو است که مشاهده می‌شود در شرایط کنونی رقابت علمی، بسیاری از مؤسسات و دانشگاه‌ها در سطح جهانی برای جذب امکانات بیشتر و پذیرش دانشجویی زیادتر از سراسر جهان، ضمن بالا بردن امکانات خود، به نمایانی خود بیش از پیش توجه می‌کنند تا بتوانند از منافعش استفاده نمایند. کشورهای عقب‌افتاده و یا عقب‌نگه‌داشته شده برای اینکه خود را به سطح جهانی برسانند بدون آنکه توجه کنند که معیارهای انتخاب شده برای رتبه‌بندی کاملاً منصفانه و عادلانه است، ناگزیرند تا خود را در سطح جهانی مطرح کنند. دانشگاه‌های ایران هم در این زمینه سخت به تکاپو افتاده‌اند تا خود را در سطح ملی و جهانی نشان دهند که البته در حد خود (و نه افراطی) کار خوبی است و ابزار علم‌سنجی برای آن مورد استفاده قرار گرفته است.

توجه به نمایانی فعالیت‌های علمی در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران سبب شده که رشته‌ای به نام علم‌سنجی مطرح شود. کمیته برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری در

رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، رشته علم‌سنجی را - با آن که نمونه آن در دنیا سابقه نداشت - تصویب نمود و نظر به استقبال دانشگاه‌ها از این برنامه، دانشکده کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تهران برای اجرای این رشته پیشقدم شد و امید است که با توفیق آن را اجرا کند.

بنابراین، اکنون که رشته علم‌سنجی تصویب شده و به اجرا درآمده است با توجه به اینکه دانشگاه‌ها در رقابت بین‌المللی سخت به تولیدات علمی و نمایانی آن توجه دارند و بسیاری از استادان نیز علاقه‌مندند که هر چه بیشتر در صحنه‌های علمی امتیاز بیاورند، پیشنهاد می‌شود تا در دانشگاه‌ها مراکزی تحت عنوان رؤیت‌پذیری و نمایانی علمی م یا معادل آن ایجاد شود و افراد فارغ‌التحصیل این رشته را به کار گیرند و برای هر دانشکده به فراخور وسعت و کثرت فعالیت آن، یک یا چند نفر متخصص این رشته را مأمور کنند تا آنها با کار مستقیم با استادان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی و آموزش آنان بتوانند تولید علمی و عرضه درست آن را به مجامع علمی بیشتر کرده و حضور آنان را در صحنه‌های علمی که به نوبه خود ره‌آوردی برای دانشگاه‌ها هم هست، افزایش دهند.